

## برزخ جوامع محلی و گذر از وضعیت موجود:

مرور منابع با تاکید بر بخش بازفت در استان چهارمحال و بختیاری  
حجت اله خدري غريبوند<sup>۱\*</sup>، عطاءاله ابراهيمي<sup>۲</sup>، پژمان طهماسبی<sup>۳</sup>، الهام اميدزاده اردلی<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد مرتعداری از دانشگاه تربیت مدرس، <sup>۲</sup> دکتری مرتعداری، عضو هیات علمی  
گروه مرتع و آبخیزداری دانشگاه شهرکرد، <sup>۳</sup> دکتری مرتعداری، عضو هیات علمی گروه مرتع و آبخیزداری  
دانشگاه شهرکرد، <sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مرتعداری - دانشگاه تهران،

---

\* نویسنده مسئول E - mail: Camphorosma@yahoo.com

## چکیده

یکی از چالش‌های عمده مدیریت منابع طبیعی، بهره برداری جوامع محلی (عشایری و روستایی) از منابع تجدید شونده می‌باشد. درهم شکستن نظام سنتی بهره‌برداری ناشی از فرایندهای تصمیم‌گیری و مداخلات در سطح کلان مدیریتی بویژه اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگلها و مراتع که همگام با جریان‌های نوسازی و تغییرات مدیریت اراضی و مالکیت منابع صورت گرفت؛ مسائل اجتماعی، اقتصادی متعددی را برجای گذاشت. هرچند در جریان اصلاحات ارضی مالکیت روستائیان بر اراضی تضمین شده بود ولی نوع واگذاری و مالکیت، توسعه روستایی و مسائل اجتماعی و اقتصادی زیادی را حل نشده باقی گذاشته است. در ارتباط با عشایر به عنوان بخشی از جوامع محلی با توجه به روند رو به رشد اسکان و تحولات بوجود آمده و احتمال حذف کوچ نشینی از زندگی آنها؛ امکانات و خدمات، بهره برداری و جایگاه منابع طبیعی، باز تعریف نظام عشایری و حفظ این نظام به عنوان بخشی از ساختار جمعیتی کشور که سنت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های عشایری را به همراه دارد از مسائل عمده و قابل توجه است. بطور کلی وضعیت موجود جوامع محلی را می‌توان متأثر از اثرات پیچیده عوامل مختلف، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اکولوژیکی و حتی تکنولوژیکی دانست. برآیند این مسائل که متأثر از تغییر و تحولات و عمکرد گذشته می‌باشد سنت و مدرنیته را در مقابل یکدیگر قرار داده است بطوری که از مزایای نظام سنتی (سنت) و تکنولوژی (مدرنیته) نمی‌توانند چشم‌پوشند. بنابراین جوامع محلی در برزخی قرار گرفته‌اند که برگشت به گذشته غیرممکن است، وضعیت موجود بهره‌برداری و تخریب منابع طبیعی نیز ناپایداری منابع و جوامع محلی را به دنبال دارد و راه فراروی آنها تخلیه روستاها از سکنه، پتانسیل‌های رها شده و مهاجرت خواهد بود. با توجه به شرایط موجود عزم جدی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای (استانی) و محلی لازم است تا مسائل مرتبط با جوامع محلی و بهره برداری از منابع طبیعی پیگیری شود. با عنایت به اهمیت کاربری‌های مختلف خصوصاً کاربری‌های مرتعی آمایش سرزمین می‌تواند در تعیین حدود و ثغور اراضی موثر باشد و مالکیت به عنوان مسئله اصلی مورد اختلاف حل و فصل گردد. نظر به زمزمه ادغام سازمان محیط زیست و منابع طبیعی و تشکیل وزارت منابع طبیعی و محیط زیست؛ بنظر می‌رسد مدیریت جوامع محلی خصوصاً مدیریت امور عشایر به عنوان بهره برداران اصلی منابع نیز در این ادغام مدنظر قرار گیرد تا بتوان در ارتباط با بهره برداری منابع و جوامع محلی در تحت امر یک نهاد مرتبط سیاستهای پایدار اتخاذ و پایداری آنها را تضمین نمود ضمن این که مطالعاتی نیز بر این ادغام تاکید دارند. این مطالعه با مروری بر منابع مرتبط و با تاکید بر مطالعات صورت گرفته در بخش بازفت در استان چهارمحال و بختیاری به بررسی مسائل و مشکلات در این زمینه می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: جوامع محلی، مدیریت منابع طبیعی، نظام عشایری، آمایش سرزمین، بازفت

## مقدمه

بهره‌برداری سنتی منابع و مدیریت محلی، جامعه‌های محلی (عشایری و روستایی) را در گذشته به قطب تولیدی و تأمین کننده نیاز کشور تبدیل و پایداری آنها تضمین کرده بود. اما در سال‌های اخیر یکی از چالش‌های عمده مدیریت منابع طبیعی، بهره‌برداری جامعه‌های محلی از منابع تجدید شونده بوده است که درهم شکستن نظام سنتی بهره‌برداری ناشی از فرایندهای تصمیم‌گیری و مداخلات در سطح کلان مدیریتی بویژه اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع که همگام با جریان‌های نوسازی و تغییرات مدیریت ارضی و مالکیت منابع صورت گرفت بی‌تاثیر نبوده است این امر مسائل اجتماعی، اقتصادی پرشماری را برجای گذاشته است. هرچند در جریان اصلاحات ارضی مالکیت روستائیان بر اراضی تضمین شده بود ولی نوع واگذاری و مالکیت، توسعه روستایی و مسائل اجتماعی و اقتصادی زیادی را حل نشده باقی گذاشته است. هم‌اکنون جامعه‌های محلی از سنت‌های بومی فاصله گرفته‌اند و در عصر فن‌آوری و مدرنیته در چنبره تنگناهای محیطی گرفتار شده‌اند و توسعه و خدمات رسانی آنها به کندی صورت می‌گیرد؛ به عبارتی می‌توان گفت جامعه‌های محلی هم‌اکنون در برزخ مسائل و مشکلاتی گرفتار شده‌اند که در ایجاد آن (شرایط جدید) عامل‌های پرشماری نقش دارند. بطور کلی وضعیت موجود جامعه‌های محلی را می‌توان متأثر از اثرگذاری‌های پیچیده عامل‌های مختلف، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اکولوژیکی و حتی تکنولوژیکی دانست. برآیند این مسائل که متأثر از تغییر و دگرگونی‌ها و عمکرد گذشته می‌باشد سنت و مدرنیته را در مقابل یکدیگر قرار داده است بطوری که از مزایای نظام سنتی (سنت) و تکنولوژی (مدرنیته) نمی‌توانند چشم‌پوشند. بنابراین جامعه‌های محلی در برزخی قرار گرفته‌اند که برگشت به گذشته غیرممکن است، وضعیت موجود بهره‌برداری و تخریب منابع طبیعی، نیز ناپایداری منابع و جامعه‌های محلی را به دنبال دارد و راه فراروی آنها تخلیه روستاها از سکنه، قابلیت‌های رها شده و مهاجرت خواهد بود.

در حال حاضر ساختارهای سنتی قادر به حل مشکلات جامعه‌های محلی نمی‌باشند و ساختارهای جدید مدیریتی نیز به دلایل پرشمار از جمله غیر بومی بودن نتوانسته است جایگاه خود را پیدا

کند (بزی و هدایتی، ۱۳۸۹) و توسعه همه جانبه جامعه‌های محلی را تحقق بخشد، بنابراین جامعه‌های محلی در برزخ سنت و مدرنیته قرار گرفته‌اند که پیامد آن تشدید فقر و تخریب روز افزون منابع طبیعی است؛ بطوریکه وضعیت موجود بهره‌برداری و تخریب منابع طبیعی ناپایداری منابع و جامعه‌های محلی را به دنبال دارد. روند بهره‌برداری برخلاف اصول توسعه پایدار و در راستای زوال منابع طبیعی و حذف جامعه‌های محلی از ساختار نظام‌مند ملی می‌باشد. جامعه‌های محلی از گذشته دور در تولید، اقتصاد ملی و کاهش وابستگی نقش مهمی داشته‌اند بطوریکه چشم‌پوشی از جامعه‌های محلی به معنای حذف بخش مهم و موثر تولیدی از نظام تولیدی کشور و وابستگی است. بنابراین حفظ پویایی و پایداری جامعه‌های محلی با هر هزینه‌ای با توجه نقش و کارکرد این جامعه‌های ضروری است.

نظام مدیریت جامعه‌های محلی در ساختارهای روستایی و عشایری در سال‌های اخیر همراه با تغییر و دگرگونی‌ها؛ دچار دگرگونی‌های زیادی شده است. خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها بزمینه در دهه‌های اخیر مشکلات فراوانی برای جامعه‌های محلی ایجاد کرده است که بررسی‌ها زیادی به این مباحث پرداخته‌اند (طالب، ۱۳۷۴؛ بزی و هدایتی، ۱۳۸۹؛ علی پور و حجت، ۱۳۹۰). تخلیه روستاها از سکنه، قابلیت‌های رها شده و مهاجرت‌ها بخشی از مسائل مهم در ضعف مدیریت در نظام عشایری و روستایی است که در این زمینه باید چاره‌اندیشی لازم صورت گیرد. علی‌رغم خدمات گسترده دولت و نهادهای انقلابی در خدمات‌رسانی به جامعه‌های محلی؛ ولی واقعیت‌های موجود بیانگر فاصله زیاد تا هدف‌های توسعه می‌باشد بی‌شک از میان برداشتن مشکلات روستایی در گرو مدیریت کارآمد می‌باشد (بزی و هدایتی، ۱۳۸۹).

تضمین پایداری و اتخاذ سیاست‌های پایدار در گرو نهادهای مرتبط و الگوی مدیریتی سازگار با شرایط اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی جامعه‌های محلی است، گذر از وضع موجود به وضع مطلوب و رهایی جامعه‌های محلی از برزخ در گرو مدیریت جامع و یکپارچه در سطح ملی و سازگار با شرایط اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی در سطح محلی می‌باشد بطوریکه رکن الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) مدیریت را عامل کنترل‌کننده از وضع موجود به

مطلوب می دانند و الگوی مدیریتی سازگار با شرایط اجتماعی و اقتصادی را پیشنهاد می کنند. اقتصاد تک محصولی و اتکا به بهره برداری منابع طبیعی به منظور تأمین اقتصاد معیشتی و نبود توجه به استفاده چند منظوره از منابع و یا توسعه مشاغل غیر وابسته به منابع، فقر و وابستگی را تشدید می کند و مسائل اجتماعی و اقتصادی را در پی دارد و با بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی تعادل اکولوژیکی را برهم می زند. نبود توجه به مسائل و مشکلات فراروی جامعه های محلی؛ زمینه بهره برداری بیش از حد از منابع و راهکارهای عملی برای چالش های فراروی؛ زمینه کاهش وابستگی به منابع طبیعی و توسعه صنایع جانبی را فراهم خواهد آورد که در این نوشتار برخی از مسائل و مشکلات و همچنین راهکارهای عملی در این زمینه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با توجه به شرایط موجود عزم جدی در سطوح مختلف ملی، منطقه ای (استانی) و محلی لازم است تا مسائل مرتبط با جامعه های محلی و بهره برداری از منابع طبیعی پیگیری شود. با توجه به روند روبه رشد اسکان عشایر و احتمال حذف کوچ نشینی از زندگی عشایر و تعریف معمول نظام عشایری که کوچ را لازمه زندگی عشایری می داند؛ لزوم باز تعریف و حفظ نظام عشایری به عنوان خرده فرهنگ ضروری می نماید. تغییر در کارکرد تعاونی های عشایری و حذف برخی از وظایف آنها به دلیل تغییر ودگرگونی های موجود (به عنوان مثال حذف توزیع برخی اجناس یارانه ای)؛ بازشناسی سایر کارکردهای تعاونی ها را الزامی می نماید بطوریکه که در تنوع بخشی به اقتصاد محلی می توانند نقش موثری داشته باشند. اشتغال غیر کشاورزی و کاهش وابستگی به منابع طبیعی، جلوگیری از مهاجرت بی رویه، تقویت پایه های اقتصادی و استفاده از توان بومی و فرآوری محصولات محلی و تولید مایحتاج جامعه های محلی و کاهش وابستگی (امین آقایی، ۱۳۸۷) توسعه صنایع روستایی را ضروری کرده است. با عنایت به اهمیت کاربری های مختلف به ویژه کاربری های مرتعی آمایش سرزمین می تواند در تعیین حدود و اندازه اراضی موثر باشد و مالکیت به عنوان مسئله اصلی مورد اختلاف حل و فصل شود.

نظر به زمزمه ادغام سازمان محیط زیست و منابع طبیعی و تشکیل وزارت منابع طبیعی و محیط زیست؛ به نظر می‌رسد مدیریت جامعه‌های محلی به ویژه مدیریت امور عشایر به عنوان بهره برداران اصلی منابع نیز در این ادغام مد نظر قرار گیرد تا بتوان در ارتباط با بهره برداری منابع و جامعه‌های محلی در تحت امر یک نهاد مرتبط سیاست‌های پایدار اتخاذ و پایداری آنها را تضمین نمود ضمن این که بررسی‌هایی (مسیبی، ۱۳۹۱) نیز بر این ادغام تاکید دارند. بهره‌مندی از امکانات و خدمات مناسب و بهره‌برداری از منابع طبیعی بر پایه اصول توسعه پایدار، مشارکت جامعه‌های محلی در سطوح مختلف می‌تواند چالش‌های فراروی جامعه‌های محلی را از میان بردارد و پایداری آنها را تضمین نماید. این بررسی با مروری بر منابع مرتبط و با تاکید بر بررسی‌های صورت گرفته در بخش بازفت در استان چهارمحال و بختیاری به بررسی مسائل و مشکلات در این زمینه می‌پردازد.

#### مسائل و مشکلات عمده جامعه‌های محلی

##### ۱- نبود ساختار مدیریتی مناسب و یکپارچه

لازمه توسعه جامعه‌های محلی (روستایی و عشایری) نگرش چندپس‌ی، هماهنگ و سیستمی است که از چالش‌های عمده در چند دهه اخیر بوده است. بخشی عمل کردن در برنامه‌ریزی‌های کشور، موازی کاری‌ها، تداخل وظایف دستگاه‌ها و رویکردهای متمایز و متفاوت سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با جامعه‌های محلی از عمده مشکلات در دستیابی به توسعه بوده است (طالب، ۱۳۷۴؛ محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷). توازی و تداخل وظایف دستگاه‌های مختلف دولتی در برخی از امور از یک طرف و به زمین ماندن برخی دیگر از امور از طرف دیگر، مشکلات عدیده‌ای را بوجود آورده است، به عنوان مثال، برخی از اقدام‌ها برای ایجاد ساختمان‌ها و خدمات عمومی مانند حمام و یا شبکه برق شده است، در حالی که روستاییان به خاطر نداشتن آب زراعی و یا محدودیت امکانات تولیدی روستا را ترک کرده اند (طالب، ۱۳۷۴). خدیری و همکاران (۱۳۸۶) نیز در نوشتاری تحت عنوان گذر

از کوچ نشینی به اسکان در منطقه بارفت به مواردی از این گونه اشاره داشته اند. مسیبه (۱۳۹۱) با تحلیل جامع در زمینه مدیریت‌های مرتبط با منابع و بهره برداران به بررسی نقاط ضعف و قوت این بخش‌ها پرداخته است و بیان می‌دارد تعدد سازمان‌های مرتبط با وظایف حاکمیتی و اجرایی همچون سازمان امور عشایر، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان محیط زیست، هواشناسی و آب و خاک ضرورت ادغام و تداخل آنها در یک مدیریت واحد الزامی می‌نماید. بی‌شک حل مسائل و مشکلات مدیریتی کشور از دیدگاه هر محقق و مسئولی شیوه خاص دارد ولی توجه به دیدگاه‌های جامع نگر و دقت نظر در تصمیم‌نهایی می‌تواند بسیاری هزینه‌های تحمیلی ناشی از تصمیم‌گیری در سطح کلان مدیریتی را کاهش داد.

## ۲- تغییر شیوه زندگی و حذف برخی خرده فرهنگ‌ها

توجه دولت‌ها به شهرها و مراکز صنعتی موجب تشدید فاصله بین جامعه‌های شهری و روستایی شده است (طالب، ۱۳۷۴) ضمن این که توسعه جامعه‌های عشایری و روستایی و سیاست‌های اسکان نیر بدون توجه به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته است و با تغییر و دگرگونی‌های جدید بسیاری از ساختارهای خرده فرهنگ‌های سنتی را از زندگی مردم حذف کرده است. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱) با تاکید بر بررسی صورت گرفته در بازفت بیان می‌دارند تغییر در ساختار معیشتی بهره‌برداران از عشایری به روستایی تغییر زیادی در منبع درآمدی بهره‌برداران بوجود آمده است که در اغلب موارد با فقر شدیدتر همراه است و این موضوع باعث افزایش اختلاف در توزیع درآمد در بین بهره‌برداران شده است. با این وجود ضمن تشدید فقر بسیاری از سنتهای کهن به باد فراموشی سپرده می‌شود، بنابراین نه تنها تغییر و دگرگونی‌ها موثر نبوده است بلکه اثرگذاری‌های نامطلوب نیز برجای گذاشته است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۱) با تاکید بر حفظ نظام سنتی دامداری بیان می‌دارد زوال دامداری سنتی (مبتنی بر کوچندگی) به عنوان تغییری نامطلوب و ناخواسته است که حذف آن تنوع زیستی دامها را تهدید می‌کند و به نوعی با حذف آن بخشی

حوامع انسانی که تکامل یافته در طی سده‌های متمادی است از بدنه کشور حذف خواهد شد و تنوع زیستی جامعه‌های انسانی را در پی خواهد داشت.

### ۳- محدودیت تأمین اشتغال

فعالیت‌های سنتی در روستا در بخش کشاورزی توسعه فرصت‌های شغلی را محدود می‌کند. تأمین اشتغال مستلزم توسعه بخش‌های صنعتی و خدماتی است که نبود توسعه این بخش‌ها عامل محدود کننده توسعه جامعه‌های محلی خواهد بود (محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷). مسئله اشتغال، نابرابری درآمد و فقر موضوع بررسی‌های زیادی بوده است. در زمینه نابرابری درآمد در بخش بازرگانی؛ طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱) ضریب جینی بهره برداران را مورد مقایسه قرار داده است و فاصله طبقاتی در دو جامعه روستایی و عشایری را تشریح نموده است. بی شک نبود توجه به اشتغالزایی از طریق منابع محلی و پتانسل‌های موجود هر منطقه و نبود توسعه زیرساخت‌ها برای صنعتی سازی مناطق روستایی و عشایری مسئله فقر جامعه‌های محلی را تشدید و تأمین اشتغال آنها را با مشکل روبرو خواهد کرد. ضعف تعاونی‌های روستایی و عشایری در جذب سرمایه‌های مردمی و نبود توسعه تعاونی‌ها برای تاسیس شرکت‌ها و مؤسسه‌های مردم نهاد برای اشتغالزایی در مناطق روستایی و عشایری مشهود است بطوریکه توجه به تأمین مایحتاج مردم و کالاهای مصرفی آنها را از توجه به وظایف مهم برای اشتغال و درآمدزایی مردم منطقه باز داشته است و یا اینکه این تعاونی‌ها فاقد مکانیزم لازم برای جلب مشارکت مردمی می‌باشند. توسعه زیرساخت‌های لازم برای توسعه صنایع مختلف روستایی و گردشگری می‌تواند زمینه اشتغال بخش قابل توجهی از مردم بومی هر منطقه را فراهم آورد؛ نبود توجه به این موارد زمینه مشکلات اجتماعی و اقتصادی و مهاجرت بخش قابل توجهی از نیروی کار در مناطق روستایی و عشایری را به وجود خواهد آورد.

### ۴- نابسامانی در مدیریت سرزمین و کاربری اراضی



مدیریت سرزمین در محیط روستایی بسار نابسامان است. نبود شیوه‌های مناسب و قوانین و مقررات کاربری اراضی حدود و اندازه اراضی و مدیریت اراضی را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. تعدد مراکز و مراجع تصمیم‌گیری و کاربری‌های نامناسب اراضی و تبدیل و تخریب منابع به نابسامانی‌ها شدت بخشیده است (محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷).

#### ۵- مسئله مشارکت جامعه‌های محلی

جلب مشارکت مردمی و توسعه نهادهای مردمی از چالش‌های اساسی در مدیریت جامعه‌های محلی است. افزایش مشارکت مردم محلی در برنامه‌های توسعه توسط نهادهای مشارکتی و جلب اعتماد مردمی و توسعه سرمایه اجتماعی اساس توسعه روستایی و عشایری خواهد بود (محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷). خدیری و همکاران (۱۳۹۰) محدودیت قانونی در سطح ملی، محدودیت‌های عرفی از جمله اختلافات قومی و رعایت سامان‌های عرفی و محدودیت مالی (ریسک‌پذیری و قدرت سرمایه‌گذاری)، احتیاجات مرتبط با اصلاح سیستم دآمداری و احتیاجات مرتبط با اصلاح سیستم کشاورزی را از جمله محدودیت‌های جلب مشارکت مردمی و توسعه سطح زندگی در منطقه بازفت می‌دانند.

#### ۶- محدودیت خدمات رسانی

محدودیت منابع و امکانات، پراکندگی روستاها و نبود ثبات جامعه‌های عشایری خدمات رسانی را مشکل کرده است. از طرفی برای توسعه خدمات و خدمات رسانی نیاز به آستانه جمعیتی است (محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷) و از طرفی غیر عادلانه است برای بهره‌مندی خدمات ضروری و اولیه به فرد وانسانیت بی توجه بود و منتظر حد آستانه ماند. طالب (۱۳۷۴) نبود ارائه خدمات تا یک سطح معین توسط همه دستگاه‌های خدمت رسان، تداخل وظایف سازمان‌ها و جداسازی نشدن آنها و نیز وجود خدماتی که هیچ یک از سازمان‌ها مسئولیت آن را نمی‌پذیرند و همچنین نبود مکانیزم مشارکتی کارشناسان و نبود توجه به جامعه‌های محلی از جمله مشکلات خدمات رسانی دولت می‌داند.

#### ۷- بهره برداری بی رویه، تخریب و زوال منابع طبیعی

در منطقه بازفت تخریب منابع طبیعی و کاهش پوشش گیاهی از دیدگاه جامعه‌های محلی مورد بررسی قرار گرفته است (خورشیدی و همکاران ۱۳۷۶؛ طهماسبی و همکاران ۱۳۹۰). بررسی‌های طهماسبی و همکاران (۱۳۹۰) با تاکید بر نتایج بررسی‌ها در بازفت دلایل عمده کاهش پوشش گیاهی را افزایش شمار دام ناشی از افزایش جمعیت، کاهش سهم سرانه هر خانوار از زمین، جمع آوری هیزم و بوته‌کنی به منظور تأمین سوخت، بهره‌برداری نادرست از گیاهان دارویی- صنعتی و خوراکی، مشاع بودن اراضی و رقابت برای بهره برداری از منابع محدود مشترک، سرشاخه‌زنی برای تعلیف دام، چرای زودرس و کاهش زادآوری گیاهان، آفات و امراض گیاهی، خشکسالی‌های پی‌درپی، تغییر کاربری اراضی برای کشاورزی و توسعه مناطق مسکونی و فعالیت‌های زیربنایی، کمبود نیروی انسانی دولتی و محلی برای حفاظت از جنگل‌ها و مراتع ذکر کرده اند.

#### راهکارهای برون رفت و گذر از مسائل و مشکلات

۱- ساختار مدیریتی مناسب در سطح ملی و تصمیم‌گیری با توجه ساختار اجتماعی و اقتصادی مسیبی در نوشتاری با عنوان اشتقاق یا اتفاق در منابع طبیعی و محیط زیست با استدلال‌های پرشمار بیان می‌دارد برای مدیریت جامع بر منابع طبیعی کشور لازم است دستگاه‌های مرتبط تحت مدیریت وزارت جدید بنام وزارت منابع طبیعی و محیط زیست ادغام شوند تا با توانی دوچندان وظایف حاکمیتی و نظارتی خود را به انجام رسانند. در این ادغام و تبدیل سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان امور عشایر، هواشناسی و بخش‌های تحقیقاتی این دستگاه‌ها نام برده شده است. به نظر می‌رسد توجه به مدیریت جامعه‌های محلی به ویژه مدیریت امور عشایر به عنوان بهره برداران اصلی منابع نیز در این ادغام بدین لحاظ است که در ارتباط با بهره برداری منابع و جامعه‌های محلی بهتر

می‌توان در تحت امر یک نهاد مرتبط سیاست‌های پایدار اتخاذ و پایداری آنها را تضمین نمود. این بیان تاکید بر تائید کامل این نظر ندارد. بی شک ضعف‌ها و اشکالاتی دربرخواهد داشت ولی به عنوان دیدگاهی که سعی در نگاه جامع به مسائل مدیریتی کشور دارد قابل توجه خواهد بود و می‌تواند مورد نقد و بررسی صاحب‌نظران، قانونگذاران، برنامه‌ریزان و سیاستمداران قرار گیرد. شاید بسیاری از مسائل و مشکلات مدیریتی کشور به دلیل موازی کاریها و تداخل وظایف در پرتو نگاه جامع مدیریتی حل و فصل شود. پس از تعیین و تشخیص ساختار مناسب مدیریتی در سطح کلان، برنامه ریزی بر پایه منابع محلی باید مبنای حرکت برای توسعه پایدار و پایداری جامعه‌های محلی باشد. بی‌شک بدون توجه به ساختار اجتماعی و اقتصادی و منابع اکولوژیکی هر برنامه‌ریزی با شکست روبرو خواهد بود، بنابراین باید در زمینه مسائل اقتصادی-اجتماعی و اکولوژیکی شناخت کافی وجود داشته باشد و اطلاعات لازم از هر منطقه کسب شود (محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷).

## ۲- باز تعریف و لزوم حفظ نظام عشایری عنوان خرده فرهنگ

در زمینه نظام عشایری علی پور و حجت (۱۳۹۰) بیان می‌دارند با بحث لزوم اسکان یا نبود اسکان نمی‌توان مشکلات را حل نمود بلکه با برخورد هوشمندانه با مسئله عشایر می‌توان کوچندگی را به عنوان میراث معنوی حفظ نمود و هویت نسلهای گذشته به آینده منتقل شود و با پذیرش کوچندگی عشایر برای ارتقای فرهنگی- اقتصادی و رفاهی آنان راهکارهای عملی برداشت. با این وجود دیدگاه دیگر را نیز می‌توان مطرح نمود که با توجه به روند رو به رشد اسکان و دگرگونی‌های بوجود آمده و احتمال حذف کوچ نشینی از زندگی عشایر باز تعریف نظام عشایری که کوچندگی از ضرورت‌ها تعریف نظام عشایری نباشد ولی نظام عشایری به عنوان بخشی از ساختار سه گانه جامعه‌های (عشایری، روستایی و شهری) در نظر گرفته شود؛ در این صورت حفظ این نظام به عنوان بخشی از ساختار جمعیتی کشور که سنت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های عشایری را به همراه دارد از مسائل عمده و قابل توجه خواهد بود.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۱) حفظ شیوه زندگی سنتی عشایری و کوچ نشینی لازمه حفظ شیوه دامداری سنتی و جلوگیری از تغییر در ترکیب (شمار و نوع) دام می‌دانند و بیان می‌دارند جامعه عشایری حاصل تطبیق با شرایط محیطی طی سده‌های متمادی است بی‌شک شیوه‌های جدید زندگی جایگزین، اسکان آنها، نبود سازگاری و نبود پشتیبانی کافی می‌تواند هر دو شیوه زندگی را در معرض خطر جدی قرار دهد، بنابراین یکی از عوامل‌های جلوگیری از حذف دامداری سنتی، حفظ شیوه معیشت سنتی است. بنابراین تداوم کوچ نشینی به تداوم زندگی عشایری که بخشی از ترکیب جامعه‌های انسانی است می‌انجامد و لازم است پیش از جلوگیری از حذف شیوه سنتی دامداری، چاره‌ای برای حذف کامل زندگی عشایری اندیشیده شود.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی‌ای در منطقه بازفت راهکارهای عملی پیشنهاد داده‌اند و بیان می‌دارند از عشایر و دامداری عشایری و روستائینی که با علاقه این شیوه معیشت را دنبال می‌کنند پشتیبانی شود؛ با این کار می‌توان این شیوه زندگی را حفظ کرد و در اقتصاد ملی تاثیرگذار بود، ضمن این که برای حفظ شیوه دامداری سنتی می‌توان شمار دامدار وابسته به منابع طبیعی را کاهش داد و از شمار باقیمانده به نحو شایسته پشتیبانی و پشتیبانی نمود. حتی در مواردی می‌توان برای همین شمار کم باقیمانده ضمن پشتیبانی از دامداری سنتی اشتغالزایی نمود که میل به تداوم و انگیزه حفظ این نوع زندگی ایجاد شود چون با این کار علاوه بر پشتیبانی از تنوع زیستی دام، از تنوع زیستی جامعه‌های انسانی نیز پشتیبانی شده است. از دامدارانی که چندان به این شیوه تمایل ندارند و یا از سرناچاری و برای گذران زندگی است راه چاره دیگری اندیشیده شود و زمینه اشتغال فراهم شود. ضمن این که با توسعه صنایع جانبی و صنایع کوچک در مناطق روستایی و عشایری و بکارگیری بخش زیادی از مردم منطقه که از منابع طبیعی بهره برداری می‌کنند می‌توان وابستگی آنها به منابع طبیعی را کاهش داد. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در شرایط موجود توجه باید به هر دو معیشت روستایی و عشایری را ضروری می‌دانند و برخورداری روستائیان از منابع معیشت جایگزین و بادوام و توسعه خدمات و امکانات به مناطق عشایری دوردست و تأمین حداقل

خدمات برای آنها، امکانات رسانی و خدمات‌دهی مناسب و توسعه منابع معیشت متنوع را در جلوگیری از تخریب منابع طبیعی حل مسئله فقر پنهان و یکنواختی توزیع درآمد ناپایدار عشایر موثر می‌دانند.

### ۳- باز شناسی نقش تعاونی‌های روستایی و عشایری

توجه به نهادهای محلی و بازشناسی نقش این نهادها به ویژه تعاونی‌های عشایری و روستایی در تقویت و تنوع بخشی به اقتصاد جامعه‌های محلی می‌تواند زمینه جدیدی برای توسعه جامعه‌های محلی فراهم آورد؛ در این صورت تعاونی‌های عشایری و روستایی تنها تهیه مایحتاج عشایر و علوفه دام در خشکسالی‌ها و تهیه بذور و سموم و آفات کش‌ها را برعهده نخواهد داشت. با شرایط جدید و حذف یارانه‌ها از برخی کالاها چنانچه توجه تعاونی‌ها به این کارکردها باشد عملاً در جامعه محلی بی‌تاثیر خواهند بود. تعاونی‌های روستایی و عشایری می‌توانند در اقتصاد محلی نقش مهمی ایفا نمایند و با حذف واسطه‌ها می‌توانند حلقه اتصال جامعه‌های محلی به بازارهای مصرف باشند بازاریابی برای تولیدات دامی و کشاورزی، صنایع دستی و توسعه صنایع محلی از وظایف تعاونی‌ها خواهد بود و می‌توانند در تنوع بخشی به اقتصاد محلی نقش داشته باشند و از اقتصاد تک محصولی و مصرف‌گرایی جامعه‌های محلی جلوگیری نمایند؛ علی‌پور و حجت (۱۳۹۰) به این نقش مهم تعاونی‌ها تاکید داشته‌اند.

### ۴- صنعتی سازی و توسعه صنایع روستایی

صنعتی سازی روستایی راهبردی است که ابزار مناسب برای متنوع سازی اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورد، بنابراین رویکردی اقتصادی به شمار می‌رود و راهکاری برای حل مسئله فقر روستایی به شمار می‌رود (نصیری، ۱۳۸۷) که با ایجاد اشتغال و توزیع متعادل‌تر درآمدها، سطح زندگی روستائیان را بهبود می‌بخشد و زمینه دستیابی به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌سازد (نصیری، ۱۳۸۷؛ به نقل از لی، ۲۰۰۷). صنایع کوچک و صنعتی شدن از راهکارهای

عملی برای توسعه روستایی و عشایری است. توجه به جامعه‌های محلی و جلوگیری از تخلیه جمعیتی و مهاجرت در بررسی‌های زیادی (امین آقایی، ۱۳۸۷؛ نصیری هند خاله، ۱۳۸۷؛ صالحی و همکاران، ۱۳۸۹؛ نوری و همکاران، ۱۳۸۹) مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. از طریق کارگاه‌های کوچک و تعاونی برای صنایع کوچک می‌توان زمینه ورود صنایع کوچک در اقتصاد محلی را فراهم آورد. توسعه زیرساخت‌ها به منزله عامل محرک در دگرگونی وضعیت اجتماعی اقتصادی جامعه‌های محلی، اشتغال زایی و افزایش درآمد و بهبود زندگی مردم می‌توانند مدنظر قرار گیرند. جلب مشارکت مردمی و جذب سرمایه گذاری محلی و بومی از طریق تاسیس شرکت‌های تعاونی به عنوان راهکار و عامل انگیزشی می‌تواند موثر افتد (نصیری، ۱۳۸۷). اشتغال غیر کشاورزی و کاهش وابستگی به منابع طبیعی، جلوگیری از مهاجرت بی رویه، تقویت پایه‌های اقتصادی و استفاده از توان بومی و فرآوری محصولات محلی و تولید مایحتاج جامعه‌های محلی و کاهش وابستگی به بازارهای اصلی و هزینه بر می‌تواند از هدف‌های توسعه صنایع روستایی به شمار رود (امین آقایی، ۱۳۸۷). در این بررسی‌ها به نقش اشتغالزایی غیر وابسته به منابع طبیعی اشاره شده است و توسعه صنایع جانبی را از راهکارهای عملی در حل مسائل و مشکلات منابع طبیعی و جامعه‌های محلی دانسته‌اند (ابراهیمی و همکاران؛ ۱۳۹۱؛ طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۰؛ خدروی و همکاران ۱۳۹۰).

##### ۵- آمایش سرزمین

سیاست مبتنی بر آمایش سرزمین و امکان استفاده از منابع بالقوه طبیعی موجب توزیع متناسب جمعیت در سرزمین را فراهم می‌آورد، ولی متأسفانه هنوز سیاستی مبتنی بر تقویت امکانات طبیعی موجود و افزایش توان مناطق پراکنده روستایی برای جذب اضافه جمعیت روستایی به مرحله اجرا در نیامده است و طرح چنین دیدگاهی به لحاظ وجود نظریه‌های مخالف به آسانی ممکن نیست؛ زیرا برخی از مسوولان و حتی صاحب نظران وجود چندین هزار روستا را یکی از نقاط ضعف اقتصادی و اجتماعی جامعه به حساب می‌آورند (طالب، ۱۳۷۴)، با این وجود

با عنایت به اهمیت کاربری‌های مختلف به ویژه کاربری‌های مرتعی آمایش سرزمین می‌تواند در تعیین حدود و ثغور اراضی موثر باشد و مالکیت به عنوان مسئله اصلی مورد اختلاف حل و فصل شود.

#### ۶- جلب مشارکت مردمی

لزوم واگذاری امور به مردم و مشارکت جامعه‌های محلی در بررسی‌های زیادی (طالب، ۱۳۷۴؛ دریکوندی، ۱۳۸۷؛ محمدی آشنانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ خدیری و همکاران، ۱۳۹۱) مورد بررسی قرار گرفته است. خدیری و همکاران (۱۳۹۰) با تاکید بر نتایج بررسی‌ها در بازفت بیان می‌دارند شاید تنها راه حل الزام مردم به قوانین موجود نباشد بلکه اصلاح قوانین در ارتباط با بهره برداران اراضی بتواند گامی برای توسعه و راهی به سوی بهبود معیشت و استفاده از قابلیت اراضی برای بهره برداران بومی، کاهش فقر، جلوگیری از مهاجرت و جلب مشارکت مردم باشد. در ارتباط با اختلافات قومی که به عنوان مانع در مشارکت مردمی بیان شده است تقویت شوراهای حل اختلاف، شوراها و اسلامی و توجه خبرنگاران محلی را ضروری می‌دانند و برای کاهش ریسک و قدرت سرمایه گذاری پیشنهاد داده‌اند یا دولت در سرمایه گذاری با مردم همکاری نماید به طوری که موانع سرمایه گذاری را بردارد و از پیچ و خم‌های اداری برای دریافت تسهیلات به مردم بکاهد و یا با رعایت حقوق قانونی و عرفی بهره برداران از سرمایه گذاری در منطقه پشتیبانی نماید. در ارتباط با احتیاجات زندگی مردم؛ توجه به نیازهای ضروری آنها را لازمه جلب مشارکت مردمی می‌دانند.

#### ۷- بهره‌مندی از امکانات و خدمات برای بهره برداری از منابع طبیعی برپایه اصول توسعه

##### پایدار

ارائه خدمات دولتی متناسب در برآوردن نیازهای قشر روستایی و عشایری و واگذاری بسیاری از امور به جامعه‌های محلی می‌تواند در مدیریت توزیع امکانات و خدمات موثر باشد

و پراکندگی جمعیت روستایی و عشایری چندان نقشی در توزیع خدمات نداشته باشد. توجه به مردم روستا در تخصیص بودجه به روستا و جلوگیری از تشدید فاصله طبقاتی (طالب، ۱۳۷۴) می تواند گام موثری در بهره برداری از منابع طبیعی برپایه اصول توسعه پایدار و کاهش فقر در جامعه های محلی شود. پهماسبی و همکاران (۱۳۹۰) با تاکید بر نتایج بررسی های خود در منطقه بازفت مشکلات اجتماعی و اقتصادی بهره برداران را در روند کاهشی پوشش گیاهی موثر می دانند و توجه به وضعیت معیشتی مردم زمینه اشتغال بهره برداران به کارهای جنبی، سیاست های اشتغال زایی و ایجاد زمینه های اشتغال، توسعه و تنوع مشاغل غیروابسته به منابع طبیعی، توسعه صنایع وابسته و توسعه دیگر فعالیت های درآمدزا و کاهش شمار بهره بردار وابسته به منابع طبیعی برای کاهش فشار بیش از حد به منابع، آموزش بهره برداران در زمینه بهره برداری درست از منابع طبیعی، ارائه خدمات ترویجی در زمینه اهمیت منابع طبیعی، تأمین سوخت مردم، توجه به مشکلات قانونی-عرفی و مالی بهره برداران، استفاده از پتانسیل منطقه برای تأمین معیشت، تلاش برای رفع فقر و محرومیت و توانمندسازی بهره برداران با تکیه بر استفاده از منابع محلی را در کاهش فشار به منابع طبیعی موثر می دانند.

پهماسبی و همکاران (۱۳۹۱) در مقایسه و تحلیل ضریب جینی بین بهره برداران مرتعی در مناطق روستایی و عشایری حوزه آبخیز بازفت به تحلیل مسائل مرتبط با وضعیت درآمدی بهره برداران پرداخته است و بیان می دارند پیامد شمار زیاد بهره بردار و وجود شمار زیاد دام در مرتع بصورت بهره برداری شدید و چرای شدید نمایان می شود و در درازمدت تخریب منابع طبیعی را تشدید می کند و قابلیت منابع طبیعی را برای بهره وری کاهش خواهد داد که در صورت نبود پشتیبانی از جامعه های محلی و مدیریت درست منابع، می تواند مدیریت منابع طبیعی را در آینده با چالش های جدی روبرو کند. کاهش شمار دامدار وابسته به مرتع و یاکاهش اندازه گله از راهکارهای اساسی در مدیریت منابع طبیعی در مناطق روستایی و عشایری است و می تواند تعادل پایداری بین مردم، منابع و دام بوجود آورد. بی شک وضعیت ناپایدار درآمدی عشایر و نبود منابع درآمدی مناسب آنها را وادار به بهره برداری بیش از حد



از منابع گیاهی (جنگلی و مرتعی) و افزایش دام (برای افزایش درآمد که پیامد آن چرای شدید و در نهایت تخریب منابع طبیعی است) نموده است. نبود توجه به توسعه منابع معیشت جایگزین، نبود موفقیت راهبردهای جدید معیشتی همچون توسعه و اسکان جامعه عشایری از عامل‌های تشدید فقر، تخریب منابع طبیعی و ناپایداری است که در بلندمدت می‌تواند ضمن تهدید تنوع زیستی در ابعاد مختلف (انسانی، دامی و گیاهی) حیات اقتصادی کشور را که وابستگی عمده‌ای به این جامعه‌ها و مناطق با قابلیت‌های وسیع دارند را با چالش جدی روبرو کند. بنابراین توجه به جامعه‌های محلی و مدیریت درست منابع طبیعی در قالب تعادل دام، انسان و منابع می‌تواند از تشدید تخریب جلوگیری کند، فقر و فاصله طبقاتی و نابرابری را محدود نماید و منابع انسانی (جامعه‌های محلی)، منابع طبیعی (مرتعی و جنگلی) و منابع حیوانی (دام‌های اهلی و حیات وحش) را در برابر تهدیدهای مختلف بیمه کند.

#### نتیجه‌گیری

درهم شکستن نظام سنتی بهره‌برداری ناشی از فرایندهای تصمیم‌گیری و مداخله‌ها در سطح کلان مدیریتی بویژه اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع که همگام با جریان‌های نوسازی و تغییرات مدیریت اراضی و مالکیت منابع صورت گرفت؛ مسائل اجتماعی، اقتصادی پرشماری را برجای گذاشت. هرچند در جریان اصلاحات ارضی مالکیت روستائیان بر اراضی تضمین شده بود ولی نوع واگذاری و مالکیت، توسعه روستایی و مسائل اجتماعی و اقتصادی زیادی را حل نشده باقی گذاشته است. هم‌اکنون جامعه‌های محلی از سنت‌های بومی فاصله گرفته‌اند و در عصر فن‌آوری و مدرنیته در چنبره تنگناهای محیطی گرفتار شده‌اند به طوریکه توسعه و خدمات رسانی آنها به کندی صورت می‌گیرد. به عبارتی می‌توان گفت جامعه‌ها محلی هم‌اکنون در برزخ مسائل و مشکلاتی گرفتار شده‌اند که در ایجاد شرایط جدید عامل‌های پرشماری نقش داشته‌اند. بطور کلی وضعیت موجود جامعه‌ها محلی را می‌توان متأثر از اثرگذاری‌های پیچیده عامل‌های مختلف، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اکولوژیکی و حتی نظام‌مند دانست. برآیند این مسائل که متأثر از تغییر و دگرگونی‌ها و عملکرد گذشته می‌باشد

سنت و مدرنیته را در مقابل یکدیگر قرار داده است به طوری که از مزایای نظام سنتی و تکنولوژی نمی‌توانند چشم‌پوشند. می‌توان گفت جامعه‌های محلی در برزخی گرفتار شده‌اند که برگشت به گذشته غیرممکن است، وضعیت موجود بهره‌برداری و تخریب منابع طبیعی نیز ناپایداری منابع و جامعه‌های محلی را به دنبال دارد و راه فراروی آنها تخلیه روستاها از سکنه، قابلیت‌های رها شده و مهاجرت خواهد بود. در شرایط حاضر مسائل پرشماری همچون نبود ساختار مدیریتی مناسب و یکپارچه، تغییر شیوه زندگی و حذف برخی خرده فرهنگ‌ها، محدودیت تأمین اشتغال، نابسامانی در مدیریت سرزمین و کاربری اراضی، مسئله مشارکت جامعه‌ها محلی، محدودیت خدمات رسانی، بهره‌برداری بی‌رویه، تخریب و زوال منابع طبیعی به عنوان عمده‌ترین مسائل و مشکلات جامعه‌ها محلی می‌باشند که این جامعه‌ها را بیشتر تهدید و تحدید می‌کنند. این مسائل در بررسی‌های صورت گرفته در بازفت مورد بررسی و بررسی قرار گرفته است که در این نوشتار مورد تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی قرار گرفتند.

در حال حاضر ساختارهای سنتی قادر به حل مشکلات جامعه‌های محلی نمی‌باشند و ساختارهای جدید مدیریتی نیز به دلایل پرشمار از جمله غیربومی بودن نتوانسته است توسعه همه‌جانبه جامعه‌های محلی را تحقق بخشد، بنابراین جامعه‌های محلی در برزخ سنت و مدرنیته قرار گرفته‌اند که پیامد آن تشدید فقر و تخریب روز افزون منابع طبیعی است. بطوریکه وضعیت موجود بهره‌برداری و تخریب منابع طبیعی ناپایداری منابع و جامعه‌های محلی را به دنبال خواهد داشت. روند بهره‌برداری برخلاف اصول توسعه پایدار و در راستای زوال منابع طبیعی و حذف جامعه‌های محلی از ساختار نظام‌مند ملی است. با توجه به موارد یاد شده راهکارهای پیشنهادی و راه حل برون رفت از وضعیت موجود؛ ساختار مدیریتی مناسب در سطح ملی و تصمیم‌گیری با توجه ساختارهای محلی، باز تعریف و لزوم حفظ نظام عشایری عنوان خرده فرهنگ، بازشناسی نقش تعاونی‌های روستایی و عشایری، صنعتی‌سازی و توسعه صنایع روستایی، آمایش سرزمین، جلب مشارکت مردمی و بهره‌مندی از امکانات و خدمات برای بهره‌برداری از منابع طبیعی برپایه اصول توسعه پایدار می‌باشند که در این نوشتار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه‌های محلی بنظر می‌رسد

مسائل موجود در ارتباط با اغلب جامعه‌های محلی و بهره‌برداران منابع طبیعی صدق نماید؛ بنابراین ضروری است در سطح کلان مدیریتی به جامعه‌های ملی توجه ویژه صورت گیرد و در برنامه ریزیها این جامعه‌ها مدنظر قرار گیرند. در سطح محلی نیز بر اساس شرایط اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی هر منطقه تصمیم‌گیری شود تا بهتر بتوان مشارکت مردم بومی را جلب نمود. جامعه‌های محلی از گذشته دور در تولید، اقتصاد ملی و کاهش وابستگی نقش مهمی داشته‌اند به طوری که چشم‌پوشی از جامعه‌های محلی به معنای حذف بخش مهم و موثر تولیدی از نظام تولیدی کشور و وابستگی است؛ بنابراین حفظ پویایی و پایداری جامعه‌های محلی با هر هزینه‌ای با توجه نقش و کارکرد این جامعه‌ها ضروری است.

### منابع مورد استفاده

- ۱- ابراهیمی عطا الله، خدری غریب وند حجت الله، طهماسبی پژمان. ۱۳۹۱. حذف شیوه دامداری سنتی عشایری تهدیدی برای تنوع زیستی. پنجمین همایش ملی مرتع و مرتعداری. ۲۶-۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۱. دانشگاه آزاد بروجرد. ص ۳۷۹.
- ۲- امین آقایی مهرناز. ۱۳۸۷. بررسی عوامل موثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۱(۴):۱۴۶-۱۲۵.
- ۳- بززی خدارحم هدایتی صلاح. ۱۳۸۹. روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تاکید بر عملکرد شوراهای اسلامی: مطالعه موردی منطقه سیستان. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۳(۳):۱۲۶-۱۰۵.
- ۴- خاتون آبادی احمد، صابری زیبا، ابراهیمی محمدصادق. ۱۳۹۰. میزان رضایت مندی ساکنان از کیفیت محیط سکونت: مطالعه موردی روستا شهر عاشق آباد. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۴(۱):۹۹-۸۳.
- ۵- خدری غریب وند حجت الله، طهماسبی پژمان، ابراهیمی عطا الله. ۱۳۹۰. محدودیت‌ها و احتیاجات زندگی: موانع مشارکت بهره‌برداران در حوزه‌های آبخیز مطالعه موردی (حوزه ه آبخیزبازفت). دومین همایش شناخت معضلات آبخیزداری و ارائه راه حل‌های مناسب در حوزه‌های آبخیز کارون و زاینده رود. ۱۸ و ۱۹ اسفندماه ۱۳۸۹ - مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان چهارمحال و بختیاری.
- ۶- دریگوندی فیروز. ۱۳۸۷. ارزیابی آثار و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی طرح توسعه ریمله. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۱(۱):۱۹۸-۱۷۳.
- ۷- رکن الدین افتخاری عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمداله عینالی جمشید. ۱۳۸۶. نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۰(۲):۳۰-۱.
- ۸- شهبازی اسماعیل، شریفی تهرانی عباس. ۱۳۹۰. آسیب شناسی مدیریت روستا. ۱۴(۱):۱۴-۱.
- ۹- صالحی اصغر، سیف الهی محمود، شهبایی سیامک. ۱۳۸۹. بررسی تطبیقی عوامل اقتصادی موثر بر بهره‌برداری از صنایع روستایی در استان اصفهان. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۳(۳):۱۷۱-۱۴۷.
- ۱۰- طالب مهدی. ۱۳۷۴. طرحی برای مدیریت روستایی. مجله تحقیقات جغرافیایی. ۱۰(۴):۲۳-۳.

- ۱۱- طهماسبی پژمان ، ابراهیمی عطا الله ، خدری غریب وند حجت الله. ۱۳۹۰. ارزیابی علل کاهش پوشش گیاهی بخش بازفت استان چهارمحال و بختیاری از دیدگاه بهره برداران محلی. اولین همایش ملی بررسی تهدیدات و عوامل تخریب تنوع زیستی در منطقه زاگرس مرکزی.. دانشگاه اصفهان. ص ۳۴۲.
- ۱۲- طهماسبی پژمان خدری غریب وند حجت الله ابراهیمی عطا الله جلیل پور مرضیه. ۱۳۹۱. مقایسه و تحلیل ضریب جینی بین بهره برداران مرتعی در مناطق روستایی و عشایری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز بازفت در استان چهارمحال و بختیاری). پنجمین همایش ملی مرتع و مرتعداری. ۲۶-۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۱. دانشگاه آزاد بروجرد. ص ۳۷۹.
- ۱۳- علی پور لیلا، حجت عیسی. ۱۳۹۰. بازار عشایری چند کارکردی: گامی در راستای پایداری زندگی عشایر کوچنده. فصلنامه روستا و توسعه. (۱)۱۴: ۱۷۲-۱۴۹.
- ۱۴- محمدپور احمد، عبدالهی عادل. ۱۳۹۰. پیامدهای توسعه اقتصادی- اجتماعی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی: مطالعه موردی منطقه اورامان زاو رو. فصلنامه روستا و توسعه. (۱)۱۴: ۵۹-۸۱.
- ۱۵- محمدی آشنانی، محمدحسین محمدی، آشنانی علی، حسنی الهام. ۱۳۸۷. پیشنهاد فرآیند تطبیقی ارزیابی و برنامه ریزی محیط زیست جهت توسعه پایدار روستایی در ایران. فصلنامه روستا و توسعه. (۱)۱۱: ۱۰۰-۷۷.
- ۱۶- مسیبی مهرداد. ۱۳۹۱. اشتقاق یا اتفاق در منابع طبیعی و محیط زیست. پنجمین همایش ملی مرتع و مرتعداری. ۲۶-۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۱. دانشگاه آزاد بروجرد. ص ۳۷۹.
- ۱۷- نصیری هندخاله اسماعیل. ۱۳۸۷. صنایع روستایی، عاملی تاثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی: نمونه -تجربی روستاهای شهر بومهن. فصلنامه روستا و توسعه. (۱)۱۱: ۸۵-۳۵.
- ۱۸- نوری زمان آبادی سیدهدایت اله، بیک محمدی حسن، تقدیسی احمد، شفیعی پروین. ۱۳۸۹. اولویت بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با روش دلفی. فصلنامه روستا و توسعه. (۲)۱۳: ۷۹-۶۱.